شهرآرا
اشنبه
۲۷ اسفند ۱۴۰۲
۶ رمضان ۱۴۴۵
شماره ۴۱۸۲
SHAHRARANEWS.IR
۱۰
فرهنگ و ادبیات

مجموعه کتاب تاریخی نشر ققنوس به پس از اسلام رسید

تاریخ ایران زمین؛ از طاهریان تا آل بویه

هادی دقیق

«نخستین دولت های ایرانی پس از اسلام؛ طاهریان تا آل بویه» عنوان جلد تازه و پنجم «مجموعه تاریخ ایران زمین» است. این مجموعه را محسن جعفری، دانش آموخته تاریخ و تاریخ پژوه نیشابوری، نوشته است. پیش تر در گزارشی مفصل در ۲۹ آبان امسال چهار جلد ابتدایی این مجموعه را معرفی کردیم. اکنون پیش از تمام شدن این سال، جلد جدید این مجموعه نیز منتشر شده است که به‌گفته نویسنده آن، به وقایع سیاسی و فرهنگی دولت های ایرانی در سده های نخستین اسلامی می پردازد.

جعفری می‌گوید کتاب تازه‌اش در ۹ فصل منتشر شده است و مثل چند جلد قبلی، ابتدایش با همان دید کلی و سالشمار رویدادهای مهم آغاز می شود تا خواننده پیش از ورود به متن اصلی، با فضای کلی و اتفاق های کلیدی دوره‌ای که مدنظر کتاب است، آشنا شود. او در فصل نخست، چگونگی فتح ایران و روابط ایرانیان با خلفای اموی و عباسی را بررسی کرده است و در فصل های دوم تا ششم به تاریخ سیاسی پنج دودمان مهم ایرانی شامل طاهریان، صفاریان، سامانیان، زیاریان و آل بویه می پردازد. در این فصل ها، نویسنده به روابط این دولت ها و خلافت عباسی و نقشی که هر یک از آن ها در پیدایش زبان فارسی و بازسازی فرهنگ و تمدن ایرانی داشتند، توجهی ویژه کرده است.

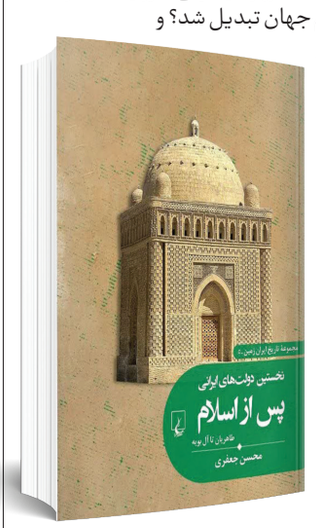
فصل هفتم چگونگی پیدایش و شکوفایی زبان فارسی نو (دَری) را بررسی کرده است. جعفری می‌گوید: در این فصل رواج گسترده زبان عربی در ایران دوره عباسی و اکاوی می شود، سپس روند پیدایش زبان فارسی و برآمدن نخستین شاعران فارسی سرا توضیح داده شده است. همچنین نخستین کتاب های فارسی در حوزه های ادبی، علمی و تاریخی معرفی شده اند و در پایان این فصل، زندگی فردوسی و چگونگی سرایش شاهنامه توضیح داده شده است.

به باور نویسنده، پیدایش و گسترش زبان فارسی در خراسان نتیجه حمایت امیران، وزیران و سرداران ایرانی و پشتکار شاعران و نویسندگان فارسی زبان بوده که با سرایش شاهنامه به اوج خودش رسیده است. فصل هشتم به بررسی فرهنگ و تمدن ایرانی در این دوره می پردازد و در فصل نهم نیز مهم‌ترین آثار معماری و هنر این دوره معرفی شده است.

طرح روی جلد کتاب «نخستین دولت های ایرانی پس از اسلام»، مقبره امیراسماعیل سامانی است که در شهر بخارای ازبکستان قرار دارد؛ شهری که جایگاهی ویژه بین فارسی زبانان دارد و از پایگاه های اصلی فرهنگ و هنر این دوره بوده است. جعفری درباره طرح جلد کتاب جدیدش می‌گوید: آرامگاه امیراسماعیل سامانی براساس معماری دوره ساسانی بنا شده است و بعدها الگویی برای معماری دوره های بعد شد؛ در نتیجه می شود از آن به عنوان نماد دوره گذر معماری پیش از اسلام به پس از آن یاد کرد.

هدف کتاب و چند سؤال مهم

در ادامه، بخشی از مقدمه این کتاب را می خوانیم: فتوحات عرب های مسلمان در سده هفتم میلادی از رویدادهای بسیار مهم و تأثیرگذار تاریخ جهان است، آن ها در مدت کوتاهی قلمرو پهناوری از خراسان تا مراکش را به تصرف خود درآوردند و در پی این رویداد، مردم تمدن های باستانی در سرزمین هایی چون عراق، سوریه، مصر، لیبی و تونس هویت فرهنگی کهن خویش را برای همیشه از دست دادند و از نظر زبانی و فرهنگی عرب شدند؛ سرزمین هایی پهناور از اقیانوس اطلس تا اروندرود که امروزه شامل یازده کشور با بیش از ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت است. ایران تنها تمدن کهنی بود که بخشی از قلمرو خلافت بود، ولی امروزه بخشی از «جهان عرب» نیست؛ مردم آن همچنان پیوندهای استواری با هویت باستانی خویش دارند و فارسی زبان اداری، آموزشی و فرهنگی آنان است. این استثنای شگفت انگیز، پرسش های تاریخی بسیاری به همراه داشته است: چه شد که ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند ولی زبان و فرهنگ عربی را نپذیرفتند؟ فرهنگ ایرانی چگونه در برابر تندباد بنیادکن فرهنگ عربی دوام آورد و خود را با ارزش ها و آموزه های اسلامی سازگار کرد؟ زبان فارسی چگونه خود را از زیر سایه سنگین زبان عربی بیرون کشید و به یکی از زبان های ادبی مهم جهان تبدیل شد؟ و از همه مهم‌تر، چه عوامل سیاسی و فرهنگی سبب شدند ایرانیان ایرانی بمانند، درحالی‌که دیگر اقوام باستانی در عراق و سوریه و شمال آفریقا عرب شدند؟



پنجمین کتاب از مجموعه «تاریخ ایران زمین» کوشیده است با بررسی تاریخ ایران در چهار سده نخستین پس از اسلام به ویژه دوره فرمانروایی دولت های ایرانی، پاسخی برای این پرسش های مهم بیابد.

زین قند پارسی
علیرضا حیدری | مدرس و ویراستار
ناویراسته ✗
جانمایی طرح های نوروزی تا یکشنبه به اتمام می رسد.
ویراسته ✓
جانمایی طرح های نوروزی تا یکشنبه به پایان می رسد.
نکته
در صورتی که واژه های زنده و پرکاربرد فارسی در اختیارمان باشد، نباید واژه های غیرفارسی را به کار بگیریم.
#زین_قند_پارسی

گفت وگو با وحید بهرامی، نویسنده کتاب «فکر سیاسی در شاهنامه فردوسی» درباره سیاست ورزی و مسئله قدرت در شاهنامه

خوشبختی مردم، غایت امر سیاسی در شاهنامه

مجید خاکپور

گفت وگو

انگیزه های مختلفی برای سرودن شاهنامه مطرح شده است؛ از زنده کردن زبان فارسی یا حفظ آن تا برگرداندن غرور ملی به ایرانیان که پس از حمله اعراب جراحتی عمیق برداشته بودند. انتقال شیوه های سیاست ورزی و مُلک داری و حکومت کردن را نیز از انگیزه های فردوسی برای سرایش شاهنامه دانسته اند. برخی مانند دکتر وحید بهرامی بر این باورند که دغدغه اصلی آثاری همچون شاهنامه، ارائه راهکار و شیوه حفظ قدرت از طریق رعایت اصول و آداب مُلک داری است. آن هم با انتقال آنچه در سنت سیاسی ایران باستان بوده است و آن هم در زمانه‌ای که به سبب تسلط اعراب و کارنابلدی و بی کفایتی و بی تجربگی آن ها در امر حکومت داری، یکپارچگی ایران و تمامیت آن در معرض خطر قرار گرفته بود.

از وحید بهرامی که دانش آموخته مقطع دکتری علوم سیاسی با گرایش اندیشه سیاسی از دانشگاه فردوسی مشهد است. تاکنون دو کتاب با نام های «فره ایزدی و مناسبات قدرت؛ آسیب شناسی بحران های سیاسی در شاهنامه فردوسی» و «فکر سیاسی در شاهنامه فردوسی» منتشر شده است که همان طور که از نامشان برمی آید بر مسئله سیاست و قدرت در شاهنامه تمرکز دارد. او به گفته خودش از سال ۱۳۹۱ و دوران دانشجویی تحقیق روی شاهنامه فردوسی با نگاهی سیاسی را شروع کرده و پایان نامه ارشد و دکترایش نیز درباره شاهنامه بوده است. علاوه بر دو کتاب یاد شده، بیش از ۱۰ مقاله علمی و پژوهشی در ارتباط با شاهنامه نوشته و چندین جایزه کشوری نیز برای تحقیقاتش کسب کرده است. آنچه در ادامه می آید گفت وگوی ما با او درباره امر سیاسی و مسئله قدرت و شیوه حکومت داری از دیدگاه شاهنامه است.



دربند کردن ضحاک در کوه دماوند / اثر استاد سلطان محمد نگارگر (نقاش سرشناس دربار شاه تهماسب صفوی / تاریخ خلق بین سال های ۱۵۲۵ تا ۱۵۳۵ خورشیدی

از منظر سیاسی مهم‌ترین انگیزه فردوسی برای سرودن شاهنامه را چه می دانید؟ مهم‌ترین بحران زمانه فردوسی چه بود و آیا می شود شاهنامه را تلاش فردوسی برای پاسخ به آن یا رفع نیازی دانست؟

دغدغه اصلی شاهنامه ها، اندرزنامه ها و سیاست نامه ها؛ ارائه راهکار و شیوه حفظ قدرت از طریق رعایت اصول و آداب مُلک داری بود. در واقع آنان در پی کشف رفتار درست و مناسب در عرصه عمومی، به ویژه سیاست بودند و به بررسی سازوکار آمریت و کشف بهترین روش حفظ و نگاه داشت قدرت می پرداختند. این نوع شاهنامه نویسی و ثبت اندیشه سیاسی مربوط به سلسله های گوناگون شاهنشاهی، ریشه در ایران باستان داشت و این جریان از زمان مادها آغاز شد و در دوره ساسانیان به کمال رسید. در این دوره با تدوین دوباره اوستا و متون دیگر و نیز نقل و گسترش داستان های پهلوانی دوران پارتی ایران، کتاب های تاریخی بزرگی همانند خدای نامه فراهم آمد که منبع اصلی تاریخ کشور و شیوه کشورداری به شمار می رفت. اما حمله اعراب به ایران، تاریخ نگاری و شیوه کشورداری را دچار وقفه ساخت، تا در نتیجه در قرن چهارم هجری، خلفا در بغداد به دلیل ضعف در اندیشه سیاسی و ندانستن آیین کشورداری با زوال قدرت رو به رو شدند و در چنین شرایطی فقط نام و نشانی از خلافت باقی مانده بود. به تبع این ضعف و نبود یک اقتدار مرکزی، قلمرو شرقی ایران به عرصه رقابت های سیاسی بین مدعیان حکومت تبدیل شده و زمانه ای پرتنش، دورانی مصیبت بار توأم با اضطراب و بی نظمی دائمی، فقر و گرسنگی برای ایرانیان رقم زده بود. در این دوران فردوسی در واکنش به این وضعیت با کمک از منابع به جای مانده از اندیشه سیاسی ایران باستان، تلاش کرد با نوشتن شاهنامه در قالب اندرزنامه با ظاهری از شعر و نظم، دوباره هویت اندیشه سیاسی ایران باستان را برای ترسیم سامان سیاسی نیک بازآفرینی کند. این امر به گونه ای است که خود فردوسی بارها با ابیات و گفتاری متفاوت بیان می کند که این اثری که به نظم درآورده است منبعی شفاهی و کتبی از هویت ملی ایرانیان است که هر قسمت آن در اختیار موبدان و پهلوانان و دهقانانی بوده که از سرتاسر ایران جمع آوری شده است. بنابراین از نظر بنده، مهم‌ترین بحران زمانه فردوسی، نبود اندیشه سیاسی مرکزی برای نجات کشور است و در این ارتباط، انگیزه و تلاش فردوسی پیش از زنده نگاه داشتن زبان و غرور ملی، بازآفرینی اندیشه ایرانشهری و سنت سیاسی ایرانیان برای نجات کشور بوده است. در واقع شاهنامه کتاب سیاست از دیدگاه ایرانیان مانند شهریار ماکیاول است که ویژگی های سیاسی را بر پایه وقایع و رویدادهای تاریخی بیان می کند.

شاه آرمانی در شاهنامه چه ویژگی هایی دارد؟ و ویژگی های حکمرانی خوب و حکمرانی بد از نظر فردوسی و آنچه در شاهنامه آمده چیست؟

در شاهنامه، شهریار آرمانی محور اندیشه سیاسی قرار داشت و نیاز به آن از چنان اهمیتی برخوردار بود که در منابع گوناگون شهریار در یک تمثیل به منزله سر دانسته شده و طبقه های اجتماعی همچون اندام های گوناگون و کشور بدون شاه همانندتن بی سر بیان شده است. این توضیح نشان از اهمیت و نقش کاربردی شهریار در هدایت نظام سیاسی داشت و دارای وظایفی همچون هدایت کشور به سوی پیشرفت و آبادانی، پاسداری از اشه و نظم ساختار سلسله طبقاتی و نگهبانی و نگهداری هرچه بیشتر از کیان کشور و مردم است. هرچه شهریار کشور در راستای این موارد خویشکاری و تلاش کند به آرمانی بودن و حکمرانی خوب نزدیک تر و هر چه از این ها فاصله بگیرد در نتیجه از آرمانی به دور و در نتیجه در راستای حکمرانی بد گام بر می دارد.

در نهایت اگر همه شرایط فراهم باشد سیاست باید در خدمت بهروزی شهروندان و کشور باشد. غایت امر سیاسی در شاهنامه چیست؟ جامعه‌ای که نظام سیاسی خوبی بر آن حاکم است چه نشانه هایی دارد؟

در فلسفه شاهنامه، غایت امر سیاست را که سبب سعادت عام مردم می شود پنج مورد می دانست. یکی از اصلی ترین موارد آن امنیت بود که حکومت وظیفه داشت اقدام به ازبین بردن برهم زنندگان امنیت کند و با مروجان بی نظمی مبارزه کند. دومین غایت و شاید مهم ترین غایت امر سیاست در شاهنامه که به شدت بر آن تأکید شده است؛ تربیت شهروندان در جهت کسب فضیلت هایشان است و حکومت وظیفه داشت با آموزش گسترده وتربیت عامه مردم آنان را به سوی بهترین خود برای سعادت راهنمایی کند. سومین غایت سیاسی آزادی است که حکومت می بایست در راستای مردم داری گام بردارد یعنی نترسیدن شهروندان از فرمانروا، باز بودن بارگاه حاکم به روی مردم، امکان سخن گفتن با او و ظرفیت و تحمل شاه در برابر مردم تا آنان با آسایش و داشتن احساس احترام به کرامت نفسانی خویش از سوی حکومت زندگی کنند. چهارمین هدف نهایی حکومت، شادکامی و رفاه بود که حکومت وظیفه داشت به واسطه آبادانی در کشور حداکثر رفاه و شادمانی را ایجاد کند تا مردم شاد و به دور از رنج زندگی کنند. در آخر یکی دیگر از مهم‌ترین غایت های امر سیاست در شاهنامه، ایجاد عدالت به معنای قراردادن هر چیز در جای خود بود و حکومت به عنوان غایت اصلی اش وظیفه داشت نظم و جایگاه طبقات اجتماعی را نگهبانی کند تا در آن افراد در سلسله نظام طبقاتی خود به خویشکاری بپردازند و سامان اجتماعی کشور به بهترین شکل ممکن درآید. با در نظر گرفتن همه این ها، در نهایت یکی از اصلی ترین نشانه های جامعه‌ای که از نظام سیاسی خوبی برخوردار است، وجود احساس خوشبختی و رشد مردم آن جامعه است.


وحید بهرامی: با وجود نمونه ها و ابیات بسیار از نقش مردم در سنت ایرانشهری، حداقل در دل شاهنامه، باز بسیاری از محققان نقش مردم را در امور سیاسی شاهنامه کتمان می کنند

چه عواملی در شاهنامه مانع ایجاد قدرت مطلق می شوند؟

ساخت سیاسی در شاهنامه به عنوان منبع بازگوکننده تاریخ فکر سیاسی دوران ایران باستان، به تبعیت از ساخت سیاسی دیگر امپراتوری ها، مبتنی بر قدرت یک فرد فرهمند بود. اما در ساختار سیاسی شاهنامه، شیوه ها و روش های اعمال قدرت صورتی مشخص دارد که دایره قدرت حکمرانان را بسیار محدود و تمهید روایی جدیدی را ارائه می کند که از حیث مباحث سیاسی اهمیت فراوانی دارد. در ساختار شاهنامه شاهد این امر هستیم که عوامل متعددی همیشه تلاش داشتند تا به نحوی مانع از پیدایش یک قدرت مطلق و نامحدود شوند و حاکمان نیز به دلیل تلاش برای کسب مشروعیت سعی در برآورده کردن نسبی خواسته های طبقات گوناگون اجتماع داشتند و ترجیح می دانند دارای اقتدار باشند تا قدرت مطلق. در واقع روش های اعمال قدرت در ساختار سیاسی شاهنامه، صورتی مشخص داشت که دایره قدرت حکمرانان را بسیار محدود می کرد و شهریاران برعکس تصور قدرتی مطلق و بی چون و چرا برای اعمال خواسته های خود نداشتند، بلکه همان گونه که در کتاب خود با عنوان «فکر سیاسی در شاهنامه فردوسی» نشان داده ام، در ساختار شاهنامه شاهد این امر هستیم که عواملی چون نیروی الهی، طبقات اجتماعی، مردم و هنجارهای جامعه همیشه به نحوی مانع از پیدایش یک قدرت مطلق و نامحدود بودند و قدرت سیاسی را تا جای ممکن در راستای مصلحت عمومی هدایت می کردند. شهریاران نیز به دلیل تلاش برای کسب مشروعیت، سعی در اجرا و برآوردن خواسته های مردم، پهلوانان، وزیران، موبدان و هنجارها و قوانین دینی پذیرفته شده جامعه داشتند و در مجموع ترجیح می دانند دارای اقتدار باشند تا قدرت مطلق و بی چون و چرا.

دریکی از مهم‌ترین و عجیب‌ترین داستان های شاهنامه، مردم ایران به بیگانه رو می کنند. چون جمشید از راه درست خارج شده و نمی توانند او را از قدرت برکنار و دیگری را جانشینش کنند، می روند سراغ ضحاک و بعد آن اتفاق های تلخ برای ایران و ایرانیان می افتد. مهم‌تر و حیاتی‌تر از مسئله دادن قدرت به کسی، مسئله گرفتن قدرت از او بدون خون و خون ریزی و سپردنش به دیگری است. شاهنامه و سنت سیاسی باستانی ایران چه چیزی برای پاسخ به این مهم دارد؟

به نظرم این یکی از چالشی ترین و سخت ترین سؤال هایی است که درباره شاهنامه مطرح شده است. به این خاطر که بسیاری از شاهنامه پژوهان سیاسی و ایران شناسان تاریخی، نقش مردم در شیوه حکومت داری و محدود کردن قدرت سیاسی را قبول ندارند. اما شما به خوبی به یک مورد از قدرت های مردم در شاهنامه اشاره کردید. اجازه بدهید برای پاسخ به سؤال شما کمی مطلب را باز کنم. به عقیده افلاطون؛ «هدفی که رهبران ملت باید منظور داشته باشند آن نیست که دولت را بزرگ تر یا غنی تر یا نیرومندتر سازند، بلکه هدف باید آن باشد که هم وطنان خود را خوشبخت تر و از نظر اخلاقی نیکوتر بار آورد». در همین راستا یکی از اصولی که در آیین شهریاری ایران باستان باید رعایت می شد، توجه پادشاه به مردم و نظرات آن ها در امر کشورداری است، زیرا اعتقاد بر این است هرگاه مردم حامی و پشتیبان پادشاه، فرمانروا و دولت باشند حکومت او پایدار و طولانی خواهد بود، ولی هرگاه پادشاه به مردم توجه نکند و باعث ناراحتی و نارضایتی مردم شود، آنان پشتیبانی خود را از وی باز می دارند و چه بسا علیه او سر به شورش و طغیان بگذارند و این امر باعث ناپایداری مُلک و پادشاهی و محدود کردن قدرت او می شد. در شاهنامه نیز حمایت مردم و استمرار فره ایزدی با پادشاه تا زمانی بود که پادشاه توجهش به مردم و در خدمت مردم می بود. در چنین شرایطی نزد مردم عزیز و قابل احترام بود، اما همین که فریب نفس خود را می خورد و از مردم جدا می شد و مردم را برای خود می خواست، فره ایزدی از او می گسست و حس احترام و بزرگداشت مردم از او برداشته می شد. در بینش شاهنامه اهمیت مردم به قدری بود که اگر پادشاه به مردم توجه نمی کرد از دیوان شمرده می شد و نه آدمیان و بر همین اساس مشروعیت حکومتش باطل می شد و باید از قدرت کنار رود:

هر آن کو گذشت از ره مردمی / ز دیوان شمر، مشمر از آدمی

بر اساس چنین تفکر و فرهنگی، شهریاران همیشه در تصمیم ها و دستورهای خود جانب مردم را رعایت می کردند و از شنیدن ظلمی که به زیردست شده، هراسناک می شدند، زیرا هر جایی که کوچک ترین ستمی روا شود، نشانگر بیداد شهریار است. اما محدودکنندگی قدرت توسط مردم در شاهنامه هنگامی عیان می شود که شهریار به رعایا بی توجه است و شیوه بیدادگری پیش می گرفت. در سراسر شاهنامه در چنین شرایطی همیشه نقش بازدارنگی مردم پررنگ می شود، به صورتی که رعایا بر اساس یک اراده عمومی علیه پادشاه می شوریدند و سعی در محدود کردن قدرت او داشتند. نخستین و مشهورترین نمونه قیام و شورش که در شاهنامه برپا شد علیه جمشیدی بود که به منافع مردم بی توجه شد:

از این پس برآمد از ایران خروش / پدید آمد از هر سویی جنگ و جوش

همچنین با شکوه ترین قیام مردم در شاهنامه، قیام علیه ضحاک است. فردوسی شورش مردم را این گونه به تصویر می کشد:

همه بام و در مردم شهر بود / کسی کش ز جنگ آوری بهر بود

همه در هوای فریدون بدند / که از درد ضحاک پر خون بدند

اقدام مردمی دیگر برای محدود کردن شهریار بی توجه به رعایا، در زمان نوذر روی می دهد. نوذر که پس از مرگ پدر به شاهی می رسد، خودکامه و بیدادگر و پول پرست است و مردم زیر بارش نمی روند و علیه او می شورند:

برین برنیامد بسی روزگار / که بیدادگر شد سر شهریار...

چو از روی کشور برآمد خروش / جهانی سراسر برآمد بجوش

نمونه دیگر پادشاهی کیقباد است که مردم علیه او به بهانه بیداد و ستم و در نتیجه گسیختن فرّ از او شورش می کنند. آن چنان که سپاهی و شهری یکی می شوند، اسلحه به دست می گیرند و شاه را به بند می کشند و شخص دیگری را به نام جاماسب به شاهی می گمارند. فردوسی قیام مردم را بسیار زیبا توصیف می کند:

برآشفت ایران و برخاست گرد / همی هر کسی کرد ساز نبرد...

سپاهی و شهری همه شد یکی / نبردند نام قباد اندکی

یک نمونه دیگر از دوره تاریخی شاهنامه که شورش مردم سبب سرنگونی شاه بیدادگر می شود، داستان هرمز پسر انوشیروان است. در این طغیان مردم به کمک بندوی و گستهم برادر زن های هرمز، شاه را کور و برکنار می کنند. در مجموع یکی از اصول چهارگانه و اصلی که قدرت شهریار را در شاهنامه محدود می کرد؛ مردم بودند و همین امر سبب می شد تا شهریار همیشه حواسش به رعایا باشد، اما آنچه که همیشه برای من جالب بود، این است که با وجود این همه مثال و نمونه و ابیات از نقش مردم در سنت ایرانشهری، حداقل در دل شاهنامه، باز بسیاری از محققان نقش مردم را در امور سیاسی شاهنامه کتمان می کنند.

چه چیزهایی در سنت سیاسی باستانی ایران و مشخصا در شاهنامه هست که می تواند گرهی از کار جامعه امروز ما باز کند؟ آیا راهکارهای عملی و سیاسی متناسب با اوضاع امروز جامعه ایرانی می توان از شاهنامه گرفت و برای نمونه چه مثال هایی به ذهنتان می آید؟

بله حتما. ببینید سیستم حکومت مندی در شاهنامه بر عهده افراد متفاوتی در داستان های متفاوتی بوده است و هر کدام از آنان با طراحی فنونی عملی در باب امور شیوه حکومت کردن سعی در اداره کشور به بهترین شکل دارند. که هر کدام از این فنون اگر به کار گرفته شود بسیاری از مشکلات زمانه ما را حل خواهد کرد. مثلا فنونی از قبیل اقتصاد مبتنی بر مالیات، حکمرانی با تأکید بر اشتغال زایی، استفاده از نخبگانی در وزارت و نهادهای اداری، نیکانی در آگهی دهی درباره کشور، شایستگانی در ارتش، روحانیت و نقش آموزشی، فنون دبیری و نحوه جمع آوری آمار در جهت برنامه ریزی و... که همگی به نحوی بسیار سیستمی و کارآمد در گزاره های شاهنامه آمده است.



خبر

کتاب نویسنده مشهدی منتشر شد

آواز در دامنه تنهایی



کتاب «آواز در دامنه تنهایی» نوشته مجتبی تجلی، به تازگی به وسیله نشر سیب سرخ منتشر و روانه بازار نشر شده است. مجتبی تجلی، نویسنده این کتاب، پزشک و دانش آموخته دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از سال ۱۳۹۶ نوشتن در زمینه ادبیات داستانی را شروع و در سال ۹۷ اولین کتاب خود را تحت عنوان مجموعه داستان کوتاه «به ترس هایم سلام می کنم» منتشر کرد. در ادامه سال ۹۸ رمان «بی رد» از او منتشر شد و سال ۱۴۰۰ داستان بلند طنز و مصور «دنیای قُزقُزایی» را منتشر کرد. خبرگزاری مهر نوشته است: در «آواز در دامنه تنهایی» مضمون اکثر داستان ها مشابه سایر نوشته های تجلی، فلسفی و روان شناسانه است؛ اگر چه در برخی از داستان ها به گویش عامه و خطرات از دست رفتن این گنجینه معنوی یا هنر، خوشنویسی یا اهمیت آب، قنات و مسائل پیرامونی آن و دیرینه شناسی نوع بشر پرداخته شده است. تجلی می گوید به جای پرداختن به معضلات و مشکلات پایین دستی و مخاطب پسند، باید سراغ لایه های عمده دردهای جامعه بشری در نگاهی کلی رفت. این نوع نگارش داستانی برای مخاطب نه تنها جذاب نیست، بلکه ملال می آورد، اما ذات اصلی هدف از نوشتن و کوشش در ادبیات داستانی در به تصویر و نقد کشیدن دور افتادگی انسان از اصالت هایِ زیستن و در افتادن در مدرنیته یا سایر چاله های پیش روی حیات نوع بشر است.